



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل دوم: اخبار و روایات -

پاسخ محقق خراسانی به اشکال دور - بررسی پاسخ محقق خراسانی - اشکال محقق نایینی

جلسه: ۷۶

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم یکی از دلائلی که برای حجیت خبر واحد اقامه شده است اخبار و روایات است. شیخ انصاری چهار طائفه از روایاتی که به نوعی بر حجیت خبر واحد می تواند دلالت داشته باشند، ذکر کردند. تقریب استدلال به این روایات به همراه برخی از اشکالاتی که متوجه استدلال به آنها شده است ذکر شد و آن اشکالات پاسخ داده شد.

لکن یک اشکال مهمی که نسبت به این دلیل مطرح شده است این است که این دلیل دوری است. استدلال به خبر برای حجیت خبر واحد دور است، زیرا شما به دنبال اثبات حجیت خبر هستید در حالیکه وقتی به خبر استدلال می کنید یعنی حجیت خبر را مفروض دانستید، پس حجیه الخبر متوقف بر حجیه الخبر شد و این دور است.

پاسخ محقق خراسانی به اشکال دور

محقق خراسانی برای حل این اشکال می فرماید اگر ما به خبر واحد برای حجیت خبر واحد استدلال کنیم، این دور است و قطعاً قابلیت استدلال ندارد. اما اگر به خبر متواتر برای حجیت خبر واحد استناد کنیم، مشکل دور بر طرف می شود و اینجا این تواتر وجود دارد ولی نه تواتر لفظی و نه تواتر معنوی، بلکه تواتر اجمالی. تواتر اجمالی از ابداعات محقق خراسانی است. من یک توضیح مختصری پیرامون این سه قسم تواتر عرض می کنم و نتیجه آن را اینجا بیان خواهیم کرد؟

۱. تواتر لفظی: عبارت است از اینکه یک خبری با الفاظش توسط یک جماعتی که عادتاً نمی توانند توافق بر کذب داشته باشند نقل شود. اصلاً ملاک تواتر این است، یعنی یک تعدادی که عادتاً تبانی بر کذب نسبت به آنها محال باشد خبری را نقل کنند؛ این تواتر لفظی است. این قسم از تواتر فقط در مورد آیات قرآن است، آیات قرآن به حسب لفظ متواتراً نقل شده اند. یکی از ادله اثبات قرآن تواتر لفظی آن است، یعنی یک عده زیادی عیناً همین را نقل کردند، با همین الفاظ بگونه ای که توافق آنها بر کذب محال است.

۲. تواتر معنوی: عبارت است از اینکه جماعت و گروهی که توافق آنها عادتاً بر کذب محال است یک معنا و مضمون خاصی را نقل کرده باشند، هر چند در لفظ و عبارت با هم اختلاف داشته باشند. یعنی مثلاً فرض کنید ما اخبار زیادی از شجاعت حضرت علی (ع) شنیدیم، این معنا و مضمون به تواتر ثابت شده است، افراد بسیاری که عادتاً محال است که تبانی کرده باشند چنین دروغی را گفته باشند. پس حقیقت شجاعت حضرت علی (ع) به تواتر ثابت شده است. لکن آنها که از این معنا و حقیقت اخبار کرده اند همه

با یک تعبیر و لفظ سخن نگفتند، الفاظ و تعابیرشان مختلف بوده است، لذا نسبت به شجاعت حضرت علی(ع) تواتر معنوی ثابت است.

این دو قسم از تواتر قبل از محقق خراسانی نیز مطرح بوده است. طبیعی است که هر جا تواتر لفظی باشد تواتر معنوی نیز می‌باشد ولی لزوماً هر جا تواتر معنوی باشد تواتر لفظی نیست، لذا نسبتشان عموم خصوص مطلق است. محقق خراسانی یک قسم سومی اضافه کردند.

۳. تواتر اجمالی: یعنی یک مجموعه‌ای از روایات نقل شده باشد که نه در لفظ اتحاد دارند و نه در معنا و مضمون، اما ما یقین داریم اجمالاً که از میان این روایات بعضی از معصوم صادر شده است. به عبارت دیگر احتمال کذب را در مورد همه این روایات نمی‌دهیم، بالاخره تواتر مفید یقین است، اینجا یقین یعنی یقین به صدور روایت از معصوم. اگر شما در مورد همه این روایات احتمال کذب بدهید، یعنی احتمال داده‌اید از معصوم صادر نشده است. احتمال با بررسی سندی، تبدیل به یک ظن مورد اعتنا می‌شود. اما اگر فرض کنید در میان چهل یا پنجاه روایت، یقین داشته باشید که بعضی ولو یک روایت از معصوم صادر شده باشد، اما مشخصاً نمی‌دانیم آن روایتی که از معصوم صادر شده، کدام است، این تواتر اجمالی است نام تواتر اجمالی به این دلیل بر آن گذاشته شده که ما یقین به صدور بعضی که شامل یک روایت هم می‌شود، از معصوم داریم، یقین داریم از میان این پنجاه روایت یک روایت از امام معصوم صادر شده است. اگر یک چنین یقینی پیدا شد، این تواتر اجمالی خواهد بود، اصطلاح تواتر هم برای این به کار بردند که ما احتمال کذب را در مورد همه این روایات نمی‌دهیم، حداقل در مورد یک روایت غیر مشخص ما احتمال کذب نمی‌دهیم، یعنی یقین داریم یک روایت از معصوم صادر شده است. این اصطلاحاً تواتر اجمالی است.

محقق خراسانی می‌گوید اینجا تواتر اجمالی وجود دارد. چون ما علم اجمالی داریم به اینکه حداقل یک روایت از روایات این چهار طائفه از امام معصوم صادر شده است. این تواتر اجمالی مشکل دور را بر طرف می‌کند.

اما آن یک روایت مفاد و مضمونش چیست؟ ما وقتی با پنجاه روایت مواجه هستیم که می‌گوییم یکی از اینها یقیناً از معصوم صادر شده است، آن یکی کدام است؟ اینها مضامینش مختلف است اصلاً حدود و ثغورش، سعه و ضیقش متفاوت است، آن یک روایت کدام است؟ ما کدام را ملاک قرار دهیم؟

محقق خراسانی می‌فرماید ما قدر متیقن و قدر مشترک این روایات را ملاک قرار می‌دهیم و به آن عمل می‌کنیم. یعنی یک روایتی را که مضمون آن اخص از همه روایات است انتخاب می‌کنیم، این به تواتر اجمالی ثابت شده است، این روایت قدر متیقن مضمون همه روایات و قدر مشترک همه آنهاست بالاخره هر چه این دارد آنها هم دارند، منتهی آنها با یک اضافه‌ای، دیگر اخص از آن روایت در این بین وجود ندارد. آن قدر متیقن در میان این طوائف چهارگانه، روایتی است که مخبر آن عادل باشد و ما اطمینان پیدا کنیم به اینکه این از امام صادر شده است. اگر تواتر اجمالی باشد ما می‌توانیم به طور قاطع بگوییم این روایت از امام صادر شده است. درست است که موضوع حجیت در ما نحن فیه، خبر واحد ثقة است، در حالیکه این قدر متیقن یک قید اضافه دارد و آن هم عدالت است، اما این مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا ما در برابر کسانی که قائل به عدم حجیت خبر واحد هستیم، در صدد اثبات حجیت خبر واحد به نحو موجبه جزیه هستیم. ما فی الجمله می‌خواهیم بگوییم خبر واحد حجت است، نمی‌خواهیم مطلق خبر واحد را حجت کنیم. اگر این مقدار با این اخبار ثابت شود، مدعا ثابت و مشکل دور بر طرف می‌شود.

پس ما به کمک اخبار و روایات و از راه تواتر اجمالی، حداقل به نحو موجهه جزئی می‌توانیم حجیت خبر واحد را ثابت کنیم. این راه و طریقی است که محقق خراسانی در اینجا طی کرده‌اند.

بررسی پاسخ محقق خراسانی

این راه و طریقی مورد بحث واقع شده است که ما اصلاً چیزی به نام تواتر اجمالی داریم یا خیر؟ علاوه بر این، بر فرض ما تواتر اجمالی را قبول کنیم، یعنی این کبری را بپذیریم اما آیا صغرای آن در ما نحن فیه تحقق دارد یا ندارد؟ آیا اینجا واقعا تواتر اجمالی هست؟ اینها جهاتی است که مورد بحث واقع شده است.

یک عده اصل تواتر اجمالی را انکار کردند و یک عده کبرای تواتر اجمالی را قبول کردند ولی صغری را قبول نکردند، می‌گویند اینجا تواتر اجمالی وجود ندارد و برخی نیز اساساً یک راه دیگری برای حل مشکل ذکر کردند. اصلاً گفتند راه تواتر اجمالی را کنار بگذارید، ما از یک راه دیگر مشکل دور را بر طرف می‌کنیم. این محورهای مطالبی است که پیرامون تواتر اجمالی در این مقام مطرح شده است.

سوال:

استاد: منظور ایشان این است که ما یقین داریم همه این روایات احتمال کذب در آنها نیست، اینکه گفتیم یقین به عدم کذب در این روایات داریم یعنی یقین داریم که حداقل یکی از این روایات از معصوم صادر شده است. یا به تعبیر دیگر احتمال کذب را در همه این روایات نمی‌دهیم. یک روایت را می‌دانیم که احتمال کذب در آن نیست. بالاخره این هم تواتر است، زیرا تواتر یعنی عادتاً توافق مخبرین بر کذب محال باشد، ما در مورد یکی از این روایات این را می‌توانیم ادعا کنیم که عادتاً توافق بر کذب آن نیست، اما کدام است نمی‌دانیم، ولی اجمالاً می‌دانیم در میان این روایات است.

سوال:

استاد: تواتر بستگی به این دارد که ما نسبت به قائل در چه طبقه‌ای باشیم. اگر کسی در عصر پیامبر باشد، پنجاه نفر بیابند از قول پیامبر برای او چیزی را نقل کنند که عادتاً توافق آنها بر کذب محال است، این خبر برای او متواتر است. اما برای نسل بعد یعنی یک واسطه بخورد، باز باید عدد تواتر در طبقه دوم حفظ شود؛ لذا حدیث متواتر به تعداد انگشتان دست که هیچ، بلکه شاید اصلاً نباشد؛ یعنی اگر در طبقه اول پنجاه نفر این حدیث را نقل کردند، طبقه دوم هر پنجاه نفر باید از آن پنجاه نفر اول شنیده باشند، نه اینکه یک نفر از طبقه دوم از یک نفر از طبق اول شنیده باشد، در این صورت تواتر وجود ندارد، فرض کنیم ما عدد تواتر را پنجاه می‌دانیم، در طبقه اول پنجاه نفر آمدند این را از پیامبر نقل کردند، طبقه دوم با واسطه از پیامبر نقل می‌کنند، در طبقه دوم نیز باید پنجاه نفر باشند، ولی هر نفر از این طبقه دوم خودش باید از آن پنجاه نفر شنیده باشد و همینطور بقیه افراد، اگر این نباشد عدد تواتر تحقق پیدا نمی‌کند اینک مثلاً یک نفر از طبقه دوم برود از یک نفر از طبقه اول نقل کند، یا نفر دوم برود از یک نفر دیگر نقل کند، نفر سوم برود از یک نفر دیگر نقل کند؛ این تواتر نیست؛ در طبقه دوم تواتر به هم خورده است. حال شما حساب کنید طبقه دوم و سوم و چهارم و پنجم تا برسد به زمان ما؛ این عدد باید در همه طبقات باید به همین ترتیبی که بیان کردم تحقق پیدا کند.

سوال:

استاد: یعنی در واقع این عدد باید در طبقه دوم و سوم و چهارم نیز همینطور حفظ شده باشد، در طبقه سوم نیز همینطور، باز طبقه سوم باید از همه پنجاه نفر طبقه دوم نقل کرده باشند و همینطور در طبقات دیگر.

به هر حال محقق خراسانی می‌گوید ما در میان این روایات یک روایت داریم که راوی آن عادل است و ما وثوق به صدور خبر هم داریم. اگر این بیاید برای ما بگویید، خبر واحد ثقة حجت است، ما اینجا یقین پیدا می‌کنیم به حجیت خبر واحد ثقة، این به تواتر اجمالی حجیت خبر واحد را ثابت می‌کند. پس مشکل دور بر طرف شد. لکن این محل بحث و اشکال واقع شده است.

محقق نایینی یک نظر دارد، محقق خوبی یک نظر دارند، امام خمینی یک نظر دارند، بعضی از بزرگان یک راه دیگری ارائه دادند، زیرا این مشکل بسیار مهمی است، یا باید این اشکال را قبول کنیم و برای اثبات حجیت خبر واحد سراغ اخبار و روایات نرویم و یا اگر می‌رویم این شکال را باید حل کنیم. اینجا اعظم طرقی را برای حل این مشکل بیان کردند.

کلام محقق نایینی

مطلبی که محقق کاظمی در فوائد الاصول نقل کرده^۱، با آنچه محقق خوبی در اجود التقريرات از محقق نایینی نقل کرده^۲، متفاوت است یعنی کانه دو مطلب با تفاوت به محقق نایینی نسبت داده شده است. به هر حال این تفاوت وجود دارد، ما بر طبق آنچه که در اجود التقريرات بیان شده سخن محقق نایینی را ذکر می‌کنیم.

ایشان می‌فرماید محقق نایینی به طور کلی تواتر اجمالی را قبول ندارد، محقق نایینی نظرشان این است که روایاتی که علم اجمالی به صدور بعضی از آنها هست، از دو حال خارج نیست؛ یا بین اینها قدر جامع وجود دارد، یا قدر جامع وجود ندارد.

اگر قدر جامع وجود داشته باشد این بازگشت به همان تواتر معنوی می‌کند و قسم سومی نیست و اگر قدر جامع نباشد، ما یقین به این روایات پیدا نمی‌کنیم، زیرا هر روایتی را به تنهایی در نظر بگیریم احتمال کذب در مورد آن است. خلاصه به طور کلی یا انکار می‌کند تواتر اجمالی را یا بازگشت به تواتر معنوی می‌کند.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۹۱.

^۲ اجود التقريرات، ج ۲، ص ۱۱۳.